Archive of SID

دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری- سال چهارم، شماره هشتم، پاییز و زمستان۱۳۹۸، صفحه۳۳-۶۲

تأثیر حاکمیت شرکتی بر لحن گزارشگری مالی

محمد پورکریم[۱] سعید جبارزاده کنگرلویی*[۲] جمال بحری ثالث[۳] حسن قلاوندی[۴]

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۰۸ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۱/۱۴

چکیده

لحن توسط نسبت واژه های مثبت و منفی که در گزارشهای سالانه هیات مدیره موجود است مشخص می‌شود، که می تواند براساس دو دیدگاه اطلاعاتی و فرصت‌طلبانه بکار رود. دیدگاه اطلاعاتی موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می شود، درحالیکه دیدگاه فرصت طلبانه در قالب مدیریت ادراک،به منظور دستکاری و انحراف در ادراک استفاده کنندگان بکار می رود.حاکمیت شرکتی به عنوان مکانیزمی برای کاهش فرصت طلبی مدیران عمل می کند. هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر لحن گزارشگری مالی است. برای طراحی شاخصی که متغیر حاکمیت شرکتی را اندازه‌گیری کند، از روش تاپسیس استفاده شده است. در این شاخص از شش معیار استقلال هیات مدیره، مالکیت مدیریتی، دوگانگی وظایف مدیر عامل، کیفیت حسابرسی، مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت استفاده شد. نمونه پژوهش حاضر که به روش حذف سیستماتیک انتخاب شده‌اند شامل ۱۱۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ می‌باشد. برای آزمون فرضیه پژوهش از رگرسیون چندگانه با داده‌های ترکیبی از نوع پانل استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد، هر چقدر حاکمیت شرکتی قوی‌تر باشد، لحن بدبینانه در گزارشگری مالی بیشتر خواهد بود. به عبارتی حاکمیت شرکتی قوی‌تر، موجب جلوگیری از فرصت‌طلبی مدیرانی می‌شود که از طریق لحن، به مدیریت ادراک استفاده‌کنندگان می‌پردازند.

واژگان کلیدی: حاکمیت شرکتی، گزارش‌های توضیحی حسابداری، لحن بدبینانه گزارشگری مالی.

---

[۱] دانشجوی دکتری گروه حسابداری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.
pourkarimv@yahoo.com

[۲] دانشیار گروه حسابداری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول)، s.jabbarzadeh@iaurmia.ac.ir

[۳] استادیار گروه حسابداری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران bahrisls.j@gmail.com

[۴] دانشیار گروه حسابداری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.galavandi@gmail.com

www.SID.ir

Archive of SID

۱-مقدمه

در چند سال اخیر، طیف جدیدی از پژوهش‌های حسابداری در حال شکل‌گیری و توسعه هستند که به ارزیابی تأثیر اطلاعات غیر عددی (توضیحی) و حتی شفاهی مدیران پرداخته‌اند. این طیف از پژوهش‌ها، به بررسی و ارزیابی تکنیک‌ها و رویکردهای زبان‌شناختی و نحوه استفاده از آن‌ها در این‌گونه اطلاعات می پردازند. این بدنه جدید از پژوهش‌های حسابداری، در واقع نوعی دیگر از توجه به حسابداری به‌عنوان یک زبان، با تأکید بر اطلاعات غیر عددی و توضیحی آن است (رهنمای رودپشتی، نیکومرام و نونهال نهر، ۱۳۹۱). در گزارش‌های توضیحی حسابداری همیشه انتخاب‌های زیادی وجود دارد که این انتخاب‌ها شامل انتخاب‌های صورت گرفته توسط مدیر و نویسنده می‌باشد. از سوی دیگر می‌توان این اختیارات در انتخاب‌ها را در لحن و نحوه بیان و نوشتار مدیران نیز مشاهده کرد. به این مفهوم که نوع نوشتار آن‌ها در گزارش‌های مالی و لحن آن‌ها در جلسات (مجامع عمومی و سایر جلسات با سرمایه‌گذاران و دیگر استفاده‌کنندگان) در هنگام ارائه گزارش، می‌تواند باعث ایجاد تفاوت در برداشت استفاده‌کنندگان شود (یاتریدیس[1]، ۲۰۱۶). در حال حاضر دو مکتب فکری در ارتباط با موارد افشاء در گزارش‌های توضیحی مدیران وجود دارد: دیدگاه اول یعنی دیدگاه اطلاعاتی[2]، اشاره می‌کند که مدیران گزارش‌های توضیحی را جهت کاهش عدم تقارن اطلاعاتی مابین خود و سرمایه‌گذاران انتشار می‌دهند؛ و دیدگاه دوم یعنی دیدگاه فرصت‌طلبی[3]، بیان می‌دارد که مدیران گزارش‌های توضیحی را به عنوان شکلی از مدیریت ادراک[4] هدفدار، عمدی و آگاهانه، به منظور دستکاری و انحراف در ادراک سرمایه‌گذاران انتشار می‌دهند (دیویس و برنان[5]، ۲۰۰۷).

افرادی که سطح بالایی از ویژگی اخلاقی فرصت طلبی را دارا می باشند،تصمیمات خود را برمبنای منفعت شخصی بنا نهاده و برای رسیدن به اهداف خود دست به فریبکاری می زنند ودراین راه ممکن است به سادگی دیگران را تحت فشار قرار داده و به آنها آسیب وارد کنند(بیگی و همکاران،۱۳۹۵).اگر مکانیزمی وجود داشته باشد که فرصت‌طلبی مدیران را محدود کند، چنین مکانیزمی باید بتواند موجب جلوگیری از فرصت‌طلبی مدیرانی شود که از طریق لحن به مدیریت ادراک استفاده‌کنندگان می‌پردازند. مدیریت ادراک به صورت "تلاش در جهت کنترل و دستکاری تصویر انتقالی به استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری" در نظر گرفته می‌شود (یاتریدیس، ۲۰۱۶). حاکمیت شرکتی به عنوان سازوکاری برای کاهش فرصت‌طلبی مدیران عمل می‌کند، که

---

1. Iatridis
2. Incremental Information approach
3. Opportunistic approach
4. Impression Management
5. Davis & Brennan

www.SID.ir

Archive of SID

با هدف کاهش هزینه‌های نمایندگی، می‌تواند باعث بهبود کیفیت اطلاعات و لحن گزارشگری مالی شود. حاکمیت شرکتی کارآمد، شفافیت و محافظه کاری را در عین کاهش شکاکیت و عدم قطعیت سرمایه‌گذار، توسعه خواهد داد. شرکت‌هایی که حاکمیت شرکتی ضعیفی دارند نسبت به فرصت‌طلبی مدیران آسیب‌پذیر هستند.

با گسترش چشم‌گیر بازار سرمایه ایران در سال‌های اخیر و اهتمام دولت به اجرای خصوصی سازی از طریق آن ، افراد زیادی به فعالیت در این بازار مشغول گشته و سرمایه های خرد وکلان خود را وارد آن نموده اند.بسیاری از این افراد در واقع افرادی ناخبره می باشندو ضروری است که دست اندرکاران بازار سرمایه و استاندارد گذاران حسابداری و مالی با انجام تمهیدات مناسبی ازجمله نظام راهبری شرکتی مناسب و اثربخش، درجهت حمایت از منافع سرمایه گذاران گام بردارند. توجه به حاکمیت شرکتی که منجر به ایجاد فضای شفاف اطلاعاتی شود و در سایه آن بازیگران عرصه اقتصادی بتوانند تصمیمات آگاهانه‌تری اتخاذ نمایند اهمیت چشمگیری پیدا کرده است و از آنجا که سازوکارهای حاکمیت شرکتی ناظر بر روابط سهامداران، هیات مدیره، مدیران و سایر ذی‌نفعان شرکت‌ها است اگر به درستی در شرکت‌ها پیاده‌سازی شود باید بتواند از هرگونه رفتار فرصت‌طلبانه جلوگیری نماید. موضوع لحن گزارشگری مالی نیز براساس یکی از دو مکتب فکری که در ارتباط با موارد افشاء در گزارش‌های توضیحی مدیران مطرح شد می‌تواند در جهت رفتار فرصت‌طلبانه از سوی مدیران به‌کار گرفته شود، به ویژه در بازار سرمایه ایران که حاکمیت شرکتی و پیاده‌سازی آن نوپا است. به علت مکانیزمهای ضعیف یا توسعه نیافته حاکمیت شرکتی در ایران، پژوهش در مورد نقش این مکانیزمها که اثربخش بودن آن در حل مسائل نمایندگی همچون بسیاری از کشورهای توسعه یافته محقق شده است، حائز اهمیت می باشد. بنابراین دلیل اهمیت این پژوهش بررسی این موضوع است که تا چه حد سازوکارهای حاکمیت شرکتی که طبق آئین‌نامه نظام راهبری تدوین شده می‌تواند رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران را محدود نماید. از آن‌جا که تاکنون پژوهش‌های گذشته، کمتر متوجه یکی از ابعاد مهم اطلاعات کیفی، یعنی لحن گزارشهای مالی بوده‌اند، این پژوهش با هدف بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر لحن گزارشگری مالی در نظام حسابداری ایران، دیدگاه نوینی را درخصوص گزارش‌های مالی ارائه و موجبات غنای بیشتر ادبیات حسابداری در محیط ایران می‌شود. با توجه به مباحث مطرح شده، ضرورت پژوهشی که بتواند تأثیر حاکمیت شرکتی را بر لحن گزارشگری مالی بررسی کند، به خوبی حس می شود. این پژوهش در پی یافتن پاسخی به این پرسش است که آیا حاکمیت شرکتی برلحن گزارشگری مالی تأثیر معناداری دارد؟

www.SID.ir

Archive of SID

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

■ لحن گزارشگری مالی

برخی از صاحب نظران حسابداری، آن را به عنوان یک زبان (در مفهوم عام) و به عنوان زبان تجارت (در مفهوم خاص) تلقی کرده‌اند. هاوز (۱۹۷۲) معتقد است که زبان از دو بخش تشکیل شده است: نمادها و قواعد دستوری. لذا شناخت حسابداری به عنوان یک زبان بر پایه شناخت این دو جزء قرار دارد. دو جزیی که به عنوان دو سطح از حسابداری مطرح‌اند و در ارتباط با آن می‌توان این‌گونه بحث کرد: اول اینکه این نمادها یا علامت‌های لغوی زبان، واحدهای معنی‌دار یا واژگان قابل تشخیص در یک زبان هستند. این نمادها، موضوعات زبان‌شناسی هستند که برای نشان دادن مفاهیم خاص بکار برده می‌شوند. برای حسابداری نیز کلمه‌ها، اعداد، و مفاهیم بدهکار و بستانکار را می‌توان به‌عنوان نمادهای مورد قبول و منحصر به فرد تعریف کرد و دوم، منظور از قواعد دستوری یک زبان، ترتیب یا نظمی است که در یک زبان برای ترکیب لغات بکار برده می‌شود. در حسابداری نیز مقصود از قواعد دستوری، مجموعه‌ای کلی از رویدادهایی است که برای خلق همه داده‌های متعلق به واحد تجاری مورد مقایسه قرار می‌گیرند (بلکویی، ۱۳۸۱). در واقع، زبان نیز یک سیستم قراردادی منظم از آواها یا نشانه‌های کلامی یا نوشتاری است که توسط انسان‌های متعلق به یگ گروه اجتماعی یا فرهنگی خاص، برای نمایش و فهم ارتباطات و اندیشه‌ها بکار برده می‌شود (نظری و همکاران، ۱۳۹۵). به سخن دیگر، زبان از متداول‌ترین و معتبرترین راه‌های انتقال افکار و احساسات درونی می‌باشد. بعلاوه، زبان و کلمات از حوزه روانشناسی و ارتباطات محسوب می‌شوند (میرعلی و همکاران، ۱۳۹۷).

لحن[1] توسط نسبت واژه‌های مثبت و منفی که در گزارش‌های سالانه هیات مدیره موجود است مشخص می‌شود، که می‌تواند شاخصی برای تغییر سطح خوش‌بینی یا بدبینی افشای گزارش باشد. داویس و تاماسوییت (۲۰۱۲) نشان دادند که مدیران در خصوص سودهای اقتصادی تمایل دارند که به صورت استراتژیک رفتار کرده و بیشتر از لحن خوش‌بینانه و کمتر از لحن بدبینانه استفاده نمایند. براون و همکاران (۲۰۰۷) دریافتند که مدیران برای تأثیرگذاری بر بازار سهام ممکن است یک لحن مناسب، مثلاً لحن کمتر بدبینانه انتخاب کنند تا عملکرد شرکت در گزارش سالانه را مورد بحث و تفسیر قرار دهند. یافته‌های یاتریدیس (۲۰۱۶)، نشان می‌دهد که لحن بدبینانه برای شرکت‌هایی با دستکاری کمتر سود و اهرم مالی بالا، بالاتر است. شرکت‌های دارای سطوح بالاتر بدبینی، هزینه‌های نمایندگی پایین‌تر و محافظه کاری بیشتری را از خود نشان می‌دهند. شرکت‌هایی که از لحن بدبینانه استفاده می‌کنند، معمولاً حاکمیت شرکتی قدرتمندی

[1]. Tone

www.SID.ir

Archive of SID

را از قدرتمندی را از خود نشان می‌دهند. همچنین مشخص شده است که بزرگ بودن اندازه شرکت، بالا بودن مالکیت نهادی و سطوح هزینه‌های تحقیق و توسعه در کنار مسائل مربوط به ارزش سهام موجب تقویت بدبینی می‌شود (یاتریدیس، ۲۰۱۶). استفاده از لحن بدبینانه، دلالت بر این موضوع دارد که مدیران با استفاده از لحن بدبینانه، اطلاعات مربوط‌تر و آینده‌نگرتری درخصوص آنچه در حال حاضر در گزارش‌های سالانه گزارش شده، افشاء می‌کنند.

هاگیمسترا[1] (۲۰۰۰) مدیریت ادراک را اینگونه تعریف می‌کند: "یک شاخه مطالعاتی در حوزه روانشناسی اجتماعی است و به مطالعه این موضوع می‌پردازد که، چگونه افراد برای ایجاد درک مطلوب از خود در دیگران، خود را معرفی می‌کنند.". در نتیجه براساس این دیدگاه، مدیران از گزارش‌های توضیحی حسابداری به عنوان ابزاری برای مدیریت ادراک استفاده می‌کنند تا با استفاده از آن "به‌صورت استراتژیک، ادراک و تصمیمات استفاده‌کنندگان از اطلاعات را دستکاری و منحرف نمایند" (یوتاس و همکاران، ۲۰۰۲). در واقع مدیر از مدیریت ادراک استفاده می‌کند تا پیغامی را که می‌خواهد منتقل کند و یا باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های گیرندگان پیغام را هماهنگ کند تا آن‌ها به نتیجه دلخواه هدایت شوند.

تعبیر دیدگاه رفتار فرصت‌طلبانه (در قالب مدیریت ادراک) از استراتژی‌های افشای مدیران، بر مبنای شکل ضعیف کارایی بازار قرار دارد. بر طبق آن فرض می‌شود که سرمایه‌گذاران در کوتاه مدت، توانایی ارزیابی جانبدارانه بودن گزارش‌های مدیریت را ندارند. براساس این فرض، مدیران از مدیریت ادراک در جهت تأثیرگذاری بر قیمت سهام به منظور افزایش پاداش خویش استفاده می‌نمایند (باگینسکی و همکاران، ۲۰۰۴). ازاین‌رو با توجه به نتایج پژوهش‌هایی که در خصوص ارزیابی کارایی بازار سرمایه ایران صورت گرفته از قبیل: الهیاری (۱۳۸۷)، دانیالی ده‌حوض و منصوری (۱۳۹۱) و خیرالهی و همکاران (۱۳۹۱) ثابت شده که به طور کلی بازار سرمایه ایران حتی در شکل ضعیف هم فاقد کارایی است و بنابراین چنین بازاری، اعمال دیدگاه رفتار فرصت‌طلبانه را توجیه می‌کند. با توجه به اینکه تئوری غالب در خصوص توضیح رفتار مدیران، تئوری نمایندگی می‌باشد، اکثر پژوهش‌های پیشین به طور گسترده‌ای بر این جنبه از مدیریت ادراک، تحت عنوان انحراف ادراک استفاده‌کنندگان برون سازمانی در خصوص عملکرد شرکت تأکید داشته‌اند. آن‌ها مدیریت ادراک را پاسخی (عکس‌العملی) به خروجی‌های منفی سازمانی دانسته‌اند. بر این اساس احتمال داده می‌شود که مدیران یکی از دو نوع رفتار پنهان کردن[2] و تخصیص دادن[3] را انتخاب نمایند (دیویس، برنان، ۲۰۰۷).

---

[1]. Hooghiemstra
[2]. Concealment
[3]. Attribution

www.SID.ir

Archive of SID

- پنهان‌کردن که به دو روش به دست می‌آید: الف) مبهم و گیج کننده کردن نتایج منفی (اخبار بد)؛ ب) تأکید بر نتایج مثبت سازمانی (اخبار خوب) با استفاده از چهار استراتژی ۱- تأکید بر واژه های خوش بینانه، ۲- دستکاری در نحوه ارائه اطلاعات، ۳- مقایسه عملکرد از طریق مقایسه شاخص‌هایی که عملکرد مالی را در بهترین وضعیت ممکن به تصویر می‌کشد و ۴- انتخاب عدد سودها به صورت انتخاب سودی که (عملیاتی، قبل از مالیات، سود خالص و...) به بهترین شکل عملکرد مالی جاری را به تصویر می‌کشد.
- تخصیص دادن، یک تاکتیک دفاعی است که از آن طریق نتایج منفی را از خود دور می‌کنند. تخصیص دادن یک استراتژی مدیریت ادراک است که از روانشناسی اجتماعی گرفته شده است و اشاره به رفتارهایی دارد که افراد با استفاده از آن، تصویری که دیگران از آن‌ها دارند را مدیریت می‌کنند و بدین طریق می‌توانند اهداف و برنامه‌های خود را برای رسیدن به موفقیت تعیین کرده و نتایج مطلوب را حداکثر و نتایج نامطلوب را حداقل نشان دهند. در زمینه گزارشگری مالی، این تاکتیک برای مدیریت، مستلزم تخصیص دادن نتایج مثبت سازمانی به عوامل درونی و اختصاص دادن نتایج منفی سازمانی به عوامل بیرونی می‌باشد (دیویس، برنان، ۲۰۰۷). بیشتر و پیچیده‌تر شدن میزان گزارش‌های توضیحی (یادداشت‌های همراه، گزارش فعالیت هیات مدیره و...) در سال‌های اخیر، در عین حال که فرصت ارائه اطلاعات مفصل در مورد عملکرد و چشم‌انداز آتی شرکت‌ها را فراهم می‌کند تا از آن طریق سودمندی تصمیم‌گیری‌ها را افزایش دهند، زمینه را نیز برای مدیران جهت اعمال مدیریت ادراک فراهم کرده است.

دیویس و برنان (۲۰۰۷)، در پژوهشی با عنوان استراتژی‌های افشای اختیاری در گزارش‌های توضیحی شرکت‌ها، با بررسی گزیده‌ای از گزارش سالانه شرکت انرون درست قبل از ورشکستگی آن، به عبارت‌هایی برخورد کرد که نشان دهنده جانبداری مثبت از وضعیت انرون دارد و ثابت می‌کند که در مورد شرکت انرون، رفتار فرصت‌طلبانه مدیر با هدف انحراف ادراک استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی در خصوص دستاوردهای شرکت به جای تلاش در جهت فراهم آوردن اطلاعات تکمیلی مفید وجود داشته است. شرکت خدمات حرفه‌ای و حسابرسی دلویت[1] دریافت که گزارش‌های شرکت انرون از زمانی که وضعیت مالی شرکت شروع به بدتر شدن کرده بود به‌طور فزاینده‌ای خوش‌بینانه، مبهم و پیچیده شد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که انرون تحت شرایطی که اعداد و ارقام حسابداری چیز دیگری را نشان می‌دادند، با استفاده از لحن گزارشگری مالی به مدیریت ادراک پرداخته است.

---

۱. Deloitte Consulting

www.SID.ir

Archive of SID

■ حاکمیت شرکتی

سقوط چشمگیر شرکت‌های غول‌آسا مانند ورلدکام[۱]، انرون[۲] و گلوبال کراسینگ[۳]، اعتماد نسبت به بازارهای مالی، اطلاعات مالی و همچنین حرفه حسابداری را در سراسر جهان از بین برده است. شکست این شرکت‌ها، در ذهن سهام‌داران مختلف نسبت به اعتبار گزارش‌های مالی و قابلیت اطمینان آن‌ها شک و تردید ایجاد کرده است (پورحیدری، سمیعی‌نژاد، ۱۳۹۴). به منظور جلوگیری از فرصت‌طلبی مدیران و همسو کردن منافع طیف‌های مختلف ذی‌نفعان، اهمیت حاکمیت شرکتی مطرح شد. ذی نفعان اصلی، مدیریت عامل،سهامداران و هیات مدیره هستند.سایر ذی نفعان، شامل کارمندان،عرضه کنندگان کالا،مشتریان، بانکها و سایر وام دهندگان،قانون گذاران، محیط و بطور کلی، جامعه می باشند (دیانتی دیلمی، ملک محمدی، ۱۳۹۲ ، ۱۵۲). حاکمیت شرکتی را می‌توان مجموعه قوانین، فرایندها، فرهنگ‌ها و روابطی دانست که بین سهامداران، مدیران و حسابرسان شرکت باید وجود داشته باشد، تا متضمن رعایت همه جانبه حقوق سهامداران جزء، بازدارنده از سوء استفاده‌های احتمالی و موجب دستیابی به اهداف پاسخ‌گویی، شفافیت و عدالت و رعایت حقوق ذی‌نفعان گردد (صفایی، محمودی درویشانی و عباسی، ۱۳۹۶، ۱۳۲).

حاکمیت شرکتی شامل مکانیزم‌هایی است که به وسیله آن‌ها بر عملکرد مدیران نظارت صورت می‌گیرد. از آنجا که سهام‌داران اختیار تصمیم‌گیری در مورد سرمایه خود را به مدیران واگذار می‌کنند، بنابراین نیاز به مکانیزم‌هایی دارند که به وسیله آن‌ها اطمینان حاصل کنند که مدیران، حقوق‌شان را رعایت خواهند کرد. اگر چه شرکت‌های سهامی به منظور افزایش ثروت و رفاه جوامع به وجود آمده‌اند، اما باید نظارتی بر حاکمیت آن‌ها وجود داشته باشد تا این شرکت‌ها از موقعیت خود سوء استفاده نکنند (بادآورنهندی، حشمت، ۱۳۹۷).

یکی از عوامل شکل‌دهی مشکل نمایندگی بین مدیران و سهامداران، عدم شفافیت اطلاعاتی بین آنها است و به همین دلیل، سهامداران نمی‌توانند اعمال و فعالیت‌های مدیران را بطور مستمر کنترل کنند. برای حصول اطمینان از ایفای مسئولیت افشا و شفافیت مناسب اطلاعات بنگاه‌های اقتصادی درمقابل عموم و افراد ذینفع، باید نظارت و مراقبت کافی به عمل آید. اعمال نظارت و مراقبت در این زمینه، مستلزم وجود ساز و کارهای مناسب است. ازجمله این ساز و کارها، طراحی و اجرای مناسب راهبری شرکتی در شرکتها و بنگاه‌های اقتصادی است.

---

۱. WorldCom

۲. Enron

۳. Global Crising

www.SID.ir

Archive of SID

مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی کارآمد، هزینه‌های نمایندگی و پتانسیل دستکاری گزارش‌های توضیحی را کاهش خواهد داد. از آنجا که تهیه و ارائه صورت‌های مالی محافظه‌کارانه و با محتوای ارزشی ممکن است هزینه‌بر باشد، شرکت‌ها ممکن است به مصالحه در خصوص کیفیت گزارش مالی و تحت تأثیر قرار دادن لحن افشاهای مالی و انتظارات سرمایه‌گذاران، مبادرت ورزند. از این رو حاکمیت شرکتی اثربخش و کارا می‌تواند کیفیت و لحن گزارشگری مالی را بهبود بخشد و با افزایش میزان شفافیت و محافظه‌کاری، تردید و عدم اطمینان سرمایه‌گذار را کاهش دهد (یاتریدیس، ۲۰۱۶). شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی‌تر، در گزارشگری مالی بیشتر از از لحن بدبینانه استفاده می‌کنند زیرا تحت شرایط کنترل‌ها و نظارت بیشتر بر شرکت، مدیریت ادراک استفاده‌کنندگان از سوی مدیر از طریق استفاده از واژه گان مثبت وتغییر لحن نوشتار به صورت خوش‌بینانه محدود می‌شود. مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی کارآمد بر تصمیم‌گیری مدیران نظارت کرده و هزینه‌های نمایندگی و پتانسیل دستکاری سود را کاهش خواهد داد. افشای بدبینانه گزارش‌های مالی، عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد و منجر به محافظه کاری بالا می‌شود. در شرکت‌هایی که حاکمیت شرکتی ضعیف باشد، هنگام عملکرد نامطلوب شرکت، مدیران با بکارگیری واژه‌های مثبت در گزارش‌های خود، وضعیت شرکت را با لحن خوش‌بینانه بیان نموده و به مدیریت ادراک استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی اقدام خواهند نمود (یاتریدیس، ۲۰۱۶، ۵).

با پیدایش تئوری نمایندگی و جدایی ناگزیر مدیریت از مالکیت،ضرورت توجه به مکانیزمهای حاکمیت شرکتی بر پیشگیری از سوء استفاده های احتمالی با هدف گزارشگری مطلوب شرکتها مطابق با شاخص های حاکمیت شرکتی و سیاستهای کلی اقتصادی کشوریعنی شفاف سازی اقتصاد و سالم سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیتها و زمینه های فسادزا در بازار سرمایه و ... را فراهم نموده است (حجازی، مختاری نژاد، ۱۳۹۶، ۳۴). بخشی از تاکید پژوهشها و منابع علمی به رسوایی های شرکتی و فروپاشی شرکتهای بزرگ به دلیل نقش کم رنگ راهبری شرکتی مربوط می شود.در کشور ما در چندسال اخیرکوششهایی برای شناساندن ماهیت نظام راهبری شرکتی و اهمیت آن در بعد نظارت بر بنگاههای اقتصادی صورت پذیرفته است (پورحیدری و همتی،۱۳۸۳). سازمان بورس اوراق بهادار در راستای بهبود کیفیت گزارشگری مالی تلاشهایی انجام داده است.شاید جدی ترین گام برداشته شده در این راه،مربوط به تصویب دستورالعمل سامانه های کنترل داخلی ناشران پذیرفته شده در بورس و فرابورس در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۱ می باشد.در اواخر سال ۱۳۹۱سازمان بورس اوراق بهادار،منشور کمیته حسابرسی و واحد حسابرسی داخلی را تصویب کردتادرعزم خودبه سمت استقرارنظام راهبری شرکتی، مصمم تر باشد(جامعی،رستمیان،۱۳۹۵).

www.SID.ir

Archive of SID

این مطالعه انتظار دارد که تلاشهای نظارتی مختلف در افزایش اثربخشی ساختار حاکمیت شرکتی در ایران به یک رابطه منفی با احتمال گزارشگری مالی فرصت طلبانه در قالب مدیریت ادراک استفاده کنندگان از طریق لحن گزارشگری مالی و تاثیر مثبت در افزایش کیفیت و اعتبار گزارشگری مالی منجرشود.

دیویس و همکاران (۲۰۰۸) به ارزیابی نحوه استفاده از گونه‌های زبان‌شناسی (لحن خوش‌بینانه/ بدبینانه) توسط مدیران در گزارش‌های اعلام عایدات به منظور فراهم کردن اطلاعات درباره عملکرد آتی مورد انتظار شرکت برای بازار و همچنین نحوه واکنش بازار به اینگونه اطلاعات افشاء شده پرداختند. آن‌ها از یک نرم‌افزار ویژه تحلیل متن (Diction5)[1] ایجاد شده جهت سنجش لحن (خوش‌بینانه/ بدبینانه) تقریباً ۲۳۴۰۰ گزارش اعلام عایدات منتشره مابین سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۳ استفاده کردند. نتایج حاصل از پژوهش نشان دهنده ارتباط معنی‌دار مثبت (منفی) مابین سطوح لحن خوش‌بینی (بدبینی) در گزارش‌های اعلام عایدات و بازده دارایی آتی آن‌هاست. هلیز و همکاران (۲۰۱۱) برای نخستین بار صراحت زبان در یادداشت‌های توضیحی را در ادبیات حسابداری دنیا مطرح کردند. آنها اطلاعات صریح را به این صورت تعریف کرده‌اند:

الف) بطور احساسی جذاب باشند، ب) عینی بوده و سؤال بدیعی انگیزاننده باشند؛ ج) با تقریب عوامل احساسی، وزن کمتری از لحاظ احساسی داشته باشند. به عقیده آنها، اطلاعات ارائه شده بصورت صریح می توانند انگیزاننده‌تر بوده و قضاوت‌های مخاطبان را بیشتر و قوی ترتحت تأثیر قرار دهند و این امر نیز ریشه در روان شناسی افراد دارد. آنها با استناد به برخی تئوری‌های روان‌شناسی پیش بینی کردند که سرمایه‌گذاران به تفاوت های مابین زبان صریح و غیر صریح درصورتیکه اطلاعات زیربنایی ارایه شده غیر منطبق آنها باشند، حساس تر خواهند بود و درصورتیکه این اطلاعات منطبق با ترحیجات آنها باشند، سرمایه‌گذاران حساسیت چندانی نسبت به آنها نخواهند داشت.

ریلی و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی الگوهای استفاده از زبان در مبانی حسابداری و اثر آن‌ها بر قضاوت و تصمیم‌گیری در زمینه سرمایه‌گذاری پرداختند. جهت بررسی این رابطه از روش تحلیل واریانس (ANOVA) استفاده شد و اطلاعات شرکتی به‌صورت داده‌های سه ماهه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که، الگوهای استفاده از زبان منفی در مبانی حسابداری موجب کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود و برعکس، الگوهای استفاده از زبان مثبت در گزارشگری مالی، موجب ارتقای عملکرد سرمایه‌گذاران می‌گردد.

کارلسون و لامتی (۲۰۱۵) به بررسی رابطه بین مدیریت سود و مدیریت لحن ۲۰۱۳ شرکت

[1]. Diction5

www.SID.ir

Archive of SID

پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار لندن پرداختند. جهت تجزیه و تحلیل این رابطه از رگرسیون چند متغیره استفاده کردند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین لحن غیرعادی در گزارشات مالی مدیران و اقلام تعهدی غیرعادی وجود دارد. مدیریت لحن برای گمراه کردن سرمایه‌گذاران نسبت به اطلاعات بنیادی شرکت‌ها مورد استفاده قرار می گیرد. همچنین مدیریت لحن موجب تسهیل انگیزه‌های مدیریت در پوشش اطلاعات بنیادی ضعیف شرکت شده و به عنوان مکمل مدیریت سود استفاده می‌شود.

یاتریدیس (۲۰۱۶) در مقاله‌ای به بررسی این سوال پرداختند که آیا منفی‌نگری در زبان گزارشگری مالی در صورت‌های مالی، موجب محدود شدن فرصت‌طلبی مدیران می‌شود؟ نمونه آماری متشکل بر ۴۰۵ شرکت فعال در بورس لندن بود، که اطلاعات آماری آن‌ها برای دوره زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ در قالب تکنیک داده‌های پانلی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آن‌ها نشان داد که، میزان استفاده از زبان منفی‌نگرانه در گزارش‌های تهیه شده توسط شرکت‌هایی که دستکاری سود آن‌ها پایین‌تر و اهرم بالاتری دارند، بالاتر است. برعکس، شرکت‌هایی که میزان رشد بالایی دارند، منفی‌نگری کمتری نشان می‌دهند. شرکت‌هایی که سطح منفی‌نگری‌شان بالاتر است، حتی زمانی که خبرهای بد یا جریان‌های نقدی پایینی را تجربه کنند، همچنان گرایش به محافظه‌کاری دارند. شرکت‌هایی که از زبان منفی‌نگرانه استفاده می‌کنند، گرایش قوی‌تری به حاکمیت شرکتی نشان می‌دهند.

الی و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی لحن افشاء و عملکرد مالی ۱۰۵ شرکت در بورس اوراق بهادار کشورمصر درفاصله زمانی سالهای ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ پرداختند.یافته های آنها نشان دادکه شرکتهای عضونمونه آماری،اخبار خیلی خوب را بیشتر از اخبار بد منتشر می کنند. تجزیه و تحلیل تجربی یک ارتباط مثبت بین افشای شرحی اخبار خوب / بد و عملکرد مالی بر اساس بازده دارایی ها را نشان می دهد. نویسندگان همچنین ارتباط بسیار معناداری بین حسابرس، سودآوری، اهرم، رشد شرکت و گزارش مالی اطلاعات خبری خوب/ بد می یابند. در نهایت، نتایج رگرسیون حداقل مربعات معمولی نشان می دهد که علیت بین دو متغیر درونی از عملکرد مالی به لحن افشاءاستفاده یا ترتیب داده می شوند. بنابراین، لحن افشاء توسط عملکرد مالی تعیین می شود.

بویودت و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی این سوال پرداختند که چه زمانی لحن انتشار سود با اهمیت است؟، آنها نمونه ای از ۵۰۰۰۰ گزارش اعلام سود ۱۸۰۰ شرکت دولتی دربازه زمانی سالهای ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۵ ایالات متحده را مورد بررسی قرار دادند.آنها به این نتیجه رسیدند که رشد شرکت، اندازه، سن، پیچیدگی و عدم اطمینان پیش بینی، عوامل یا محرک های کلیدی اطلاع دهندگی لحن هستند. این اثر از لحاظ اقتصادی معنادار است، چون در مقایسه با

www.SID.ir

Archive of SID

نمونه مرجع از یک شرکت شفاف، ما متوجه می شویم که ضریب شیب لحن دو برابر و یا حتی چهار برابر در رگرسیون داده های پانل، زمانی که شرکت در محیطی با عدم تقارن اطلاعاتی عمل می کند، است.

سوزا و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان پیچیدگی های زبان شناسی افشای یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی به بررسی رابطه بین خوانایی گزارش‌های توضیحی حسابداری و عملکرد مالی با استفاده از داده‌های پانل برای یک نمونه از ۱۶۴۳ سال- شرکت در دوره زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶ در کشور برزیل پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند، هنگامی که عملکرد شرکت ضعیف است مدیران گزارش‌های توضیحی حسابداری را بصورت پیچیده‌تری منتشر می کنند. به عبارتی، مدیران عمدا بر پیچیدگی گزارش‌های توضیحی حسابداری می‌افزایند، تا عملکرد ضعیف و اطلاعات منفی شرکت را پنهان نمایند.

رهنمای رودپشتی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی به ارزیابی تأثیر رویکردهای قضاوتی و شناختی زبان در گزارش‌های توضیحی حسابداری پرداختند. آن‌ها اقدام به تهیه یک پرسشنامه فرا آزمایشی کرده و سوالاتی در ارتباط با هر یک ازمتغیرهای مورد نظر پژوهش مطرح نمودند. نتایج نشان داد که: ۱) عینی بودن زبان شرط اصلی برای صراحت آن نیست، ۲) افزایش صراحت زبان تأثیر معناداری بر رفتارهای قضاوتی و شناختی سرمایه‌گذاران دارد؛ ۳) در صورتی که اطلاعات عینی به صورت غیر صریح ارایه شده باشد، تأثیر معنی‌داری بر قضاوت‌های سرمایه‌گذاران نخواهد داشت.

پورحیدری و سمیعی نژاد (۱۳۹۴) به بررسی تاثیر ساختار حاکمیت شرکتی برگزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ پرداختند. نتایج نشان دادکه، بین اندازه هیات مدیره، درصد تمرکز مالکیت، دوگانگی وظیفه مدیر عامل و استقلال هیات مدیره با گزارشگری مالی متقلبانه ارتباط معناداری وجود ندارد. در واقع کیفیت حاکمیت شرکتی از بعد مدیریت، تاثیری برکیفیت گزارشگری مالی متقلبانه ندارد،که این می‌تواند حاکی از کم توجهی مدیران شرکت‌ها به مقوله گزارشگری مالی متقلبانه در محیط اقتصادی ایران باشد.

نظری و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر ساخت زبان گزارش‌های مالی بر میزان تمایل به سرمایه‌گذاری پرداختند. جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویانی است که دارای دانش پایه‌ای از حسابداری مالی و سرمایه‌گذاری هستند. داده‌ها با استفاده از روش آزمایشگاهی و در قالب یک طرح آزمایشی ۲×۴ استفاده شد. براساس نتایج پژوهش، بطورکلی ساخت زبان به تنهایی تأثیری بر میزان تمایل به سرمایه‌گذاری ندارد. بعلاوه با افزایش فاصله روانی، تأثیر ساخت زبان بر تمایل به سرمایه‌گذاری تغییر نمی‌کند.

www.SID.ir

Archive of SID

حجازی و مختاری‌نژاد (۱۳۹۶) به بررسی رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با گزارشگری مالی متقلبانه ۱۰۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴پرداختند. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از تحلیل رگرسیون چند متغیره با مدل اثرات ثابت و روش حداقل مربعات وزنی استفاده کردند. یافته‌های آنها نشان داد، بین تخصص اعضای هیات مدیره، اثربخشی کمیته حسابرسی و اثربخشی اعضای غیر موظف مستقل هیات مدیره با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معکوسی وجود دارد. یعنی ساختار حاکمیت شرکتی اثربخش، احتمال گزارشگری مالی متقلبانه را کاهش می‌دهد و اعتبار گزارشگری مالی را افزایش می‌دهد.

میرعلی و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی رابطه لحن گزارشگری مالی با عملکرد آتی شرکت و بازده بازار پرداختند. آنها از روش‌شناسی تحلیل متنی و اطلاعات ۱۴۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ استفاده نمودند. نتایج پژوهش نشان داد که لحن گزارش‌های مالی، انتظارات مدیران از عملکرد آتی شرکت را منعکس می‌کند. با این حال بازار در روزهای حول انتشار گزارش‌های مالی، پاسخ معنی‌داری به لحن مورد استفاده در گزارش‌های مالی نمی‌دهد.

رهنمای رودپشتی و محسنی(۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی مدیریت،مدیریت نوشتارومدیریت سوددر شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله زمانی سالهای ۱۳۸۶تا۱۳۹۳ پرداختند.برای آزمون فرضیات پژوهش از همبستگی،تحلیل رگرسیون خطی چندگانه و تحلیل رگرسیون لجستیک استفاده کردند.یافته های پژوهش آنها نشان داد،بین لحن نوشتار در گزارش هیات مدیره درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت با عملکرد مالی شرکت رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.همچنین بین مدیریت نوشتار و مدیریت سود،رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد و انتظار می رود مدیریت نوشتارو مدیریت سود بصورت همزمان بوسیله شرکتها استفاده شوند.

با بررسی پیشینه پژوهش‌های صورت گرفته، مشاهده می‌شود که اولا پژوهش‌ها در حوزه لحن گزارشگری مالی محدود بوده و پژوهشی که مستقیما تاثیر امتیاز حاکمیت شرکتیِ شرکت‌ها را بر لحن گزارشگری مالی بررسی کند وجود ندارد. حتی در خصوص پژوهش یاتریدیس (۲۰۱۶) نیز سازوکارهای حاکمیت شرکتی به طور مجزا وارد مدل شده که می‌تواند خطای حاصل از به کارگیری مجزای متغیرهای ساختاری را افزایش دهد. آنچه در پژوهش حاضر متفاوت از پژوهش‌های دیگر صورت گرفته استفاده از روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه مبنی بر محاسبه امتیاز حاکمیت شرکتی هر یک از شرکت‌ها بر اساس ۶ سازوکار حاکمیت شرکتی متفاوت است و سپس بررسی تاثیر این امتیاز حاکمیت شرکتی بر لحن گزارشگری مالی می‌باشد.

www.SID.ir

Archive of SID

۳- فرضیه پژوهش

بررسی مطالعات انجام شده در جهان در زمینهٔ گزارشگری مالی نشان میدهد رابطهٔ مثبت و مستقیمی بین نظام راهبری شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی وجود دارد. از این رو، نظام راهبری شرکتی فرایندی است که موجب میشود گزارشگری مالی شرکت که ازسوی مدیران آن تهیه میشود، دارای کیفیت بالاتری باشد.از این رو، انتظار بر این است میان سازوکارهای نظام راهبری شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی رابطهٔ مثبت (مستقیم) برقرار باشد. مکانیزمهای راهبری شرکتی هستند که می توانند رفتار فرصت طلبی مدیران را کاهش دهند.آنها با هدف کاهش هزینه های نمایندگی، می توانند باعث بهبود کیفیت اطلاعات و لحن گزارشگری مالی، ازگذشته تا به حال شوند. براساس تئوری فرصت طلبی، مدیران گزارشهای توضیحی را به عنوان شکلی از مدیریت ادراک هدفدار،عمدی و آگاهانه، به منظور دستکاری و انحراف در ادراک استفاده کننده گان انتشار می دهند.اگر مکانیزمی وجود داشته باشد که فرصت طلبی مدیران را محدود کند،چنین مکانیزمی باید بتواند موجب جلوگیری از فرصت طلبی مدیرانی شود که از طریق لحن خوش بینانه به مدیریت ادراک استفاده کننده گان می پردازند. شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی‌تر، در گزارشگری مالی بیشتر از از لحن بدبینانه استفاده می‌کنند زیرا تحت شرایط کنترل‌ها و نظارت بیشتر بر شرکت، مدیریت ادراک استفاده‌کنندگان از سوی مدیر از طریق تغییر لحن نوشتار به صورت مثبت و خوش‌بینانه محدود می‌شود. در شرکت‌هایی که حاکمیت شرکتی ضعیف باشد، هنگام عملکرد نامطلوب شرکت، مدیران با بکارگیری واژه‌های مثبت در گزارش‌های خود، وضعیت شرکت را با لحن خوش‌بینانه بیان نموده و به مدیریت ادراک استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی اقدام خواهند نمود. باتوجه به این مبانی نظری و طبق مطالعه یاتریدیس (۲۰۱۶)، فرضیه پژوهش به شرح زیرمطرح می‌شود:

فرضیه تحقیق: هرچه میزان حاکمیت شرکتی قوی‌تر باشد، لحن بدبینانه در گزارشگری مالی بیشتر خواهد شد.

۴- روش‌شناسی پژوهش

با توجه به هدف پژوهش، که بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر لحن گزارشگری مالی می‌باشد، روش پژوهش حاضراز منظر نتیجه اجرا، از نوع کاربردی، از منظر فرآیند اجرا (یا نوع داده‌ها)، از نوع تحلیل محتوای کمی است.در تحلیل محتوای کمی، بیشتر به ظاهر متن و شمارش کلمات یا جملات خاصی اکتفا می شود. تحلیل محتوا عبارت است از تحلیل گفتار، نوشتار، سخنرانی ها، مصاحبه ها،فیلم، تصاویر،نحوه ادای کلمات،لحن بکاررفته درکلام،خطابه ها،اعلامیه های سیاسی

www.SID.ir

Archive of SID

و نظیراینها (دیانتی دیلمی، ۱۳۹۷، ۱۲۹). از منظر منطق اجرا (یا نوع استدلال)، از نوع قیاسی- استقرایی، از منظر بعد زمانی طولی و از نوع گذشته‌نگر (پس رویدادی)، از نظر هدف اجرا، یک پژوهش تحلیلی (به روش همبستگی) می‌باشد (بنی‌مهد، عربی، حسن‌پور، ۱۳۹۵). در این پژوهش باتوجه به نوع داده‌ها از روش رگرسیون چندگانه با داده‌های ترکیبی استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌ها، از صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌ها در نرم‌افزار ره‌آورد نوین و سایت کدال[۱] استخراج و پس از آماده‌سازی داده‌ها در نرم‌افزار اکسل[۲]، تجزیه و تحلیل و برآورد مدل‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار ایویوز ۸[۳] انجام شده است.

جامعهٔ آماری این پژوهش به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ محدود می‌شود. نمونه آماری بایستی از ویژگی‌ها و شرایط زیر برخوردار باشد:

الف) به دلیل ماهیت و طبقه بندی متفاوت اقلام صورت‌های مالی شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی در مقایسه با شرکت‌های تولیدی، از این‌رو شرکت‌های سرمایه‌گذاری، شرکت‌های بیمه، بانک‌ها و موسسات تامین مالی در این پژوهش مورد بررسی قرار نمی‌گیرند.

ب) شرکت‌ها قبل از سال ۱۳۸۹ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند و برای دوره زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۵ صورت‌های مالی تهیه و به بورس ارائه نموده باشند و طی این زمان سال مالی خود را تغییر نداده باشند.

ج) سال مالی شرکت‌ها منتهی به ۲۹ اسفند باشد تا داده‌های حسابداری شرکت‌های مختلف با یکدیگر قابل مقایسه شوند و آثار تقویمی در مقایسه شرکت‌ها موثر نباشد.

د) کلیه اطلاعات و نسبت‌های مالی مورد نیاز شرکت قابل محاسبه و طی دوره پژوهش در دسترس باشد. این محدودیت نیز اطمینان از به‌کارگیری یک نمونه یکنواخت برای مقایسه معیارهای مختلف را در پی خواهد داشت.

پس از اعمال شرایط یاد شده مطابق جدول ۱، تعداد ۱۱۹ شرکت، شامل ۸۳۳ سال- شرکت به عنوان نمونه آماری جهت آزمون پژوهش انتخاب شدند.

---

۱. Codal

۲. Excel

۳. eviews8

www.SID.ir

Archive of SID

جدول ۱- مراحل و نحوه انتخاب داده شرکت‌های نمونه

شرح	تعداد شرکت	
		۴۷۲
شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه، بانک‌ها و واسطه‌گری‌های مالی و موسسات تامین مالی	۷۱	
شرکت‌هایی که در طی دوره مورد بررسی (۱۳۸۹-۱۳۹۵) تغییر سال مالی داده‌اند	۲۰	
شرکت‌هایی که سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند ماه نیست.	۱۲۷	
شرکت‌هایی که قبل از سال ۱۳۸۹ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده اما تا پایان سال ۱۳۹۵ در لیست بورس نیستند.	۱۰۱	
شرکت‌هایی که اطلاعات آنها قابل دسترس نبود (گزارش‌های فعالیت هیات مدیره)	۳۴	
تعداد کل شرکت هایی که حذف شدند		۳۵۳
تعداد شرکتهای عضو نمونه		**۱۱۹**

مدل و متغیرهای پژوهش

با پیروی از مطالعه یاتریدیس (۲۰۱۶)، به منظور آزمون فرضیه پژوهش از مدل شماره ۱ استفاده شده است.

مدل ۱)
$$\begin{aligned}\mathrm{TONE_{i,t}} = \alpha_0 &+ \alpha_1 CG_{i,t} + \alpha_2 lnA_{i,t} + \alpha_3 OCF_{i,t} + \alpha_4 TLSFU_{i,t} \\ &+ \alpha_5 MBV_{i,t} + \alpha_6 DIV_{i,t} + \alpha_7 FORREV_{i,t} + \alpha_8 AGE_{i,t} \\ &+ \alpha_9 Q * FCF_{i,t} + \alpha_{10} R_{i,t} + \alpha_{11} CFD_{i,t} + \varepsilon_{i,t}\end{aligned}$$

که در آن؛

$\mathrm{TONE_{i,t}}$: لحن گزارشگری مالی؛

$\mathrm{CG_{i,t}}$: امتیاز حاکمیت شرکتی شرکت i در سال مالی t؛

$\mathrm{LnA_{i,t}}$: اندازه شرکت i در سال مالی t؛

$\mathrm{OCF_{i,t}}$: جریان نقد عملیاتی شرکت i در سال مالی t؛

$\mathrm{TLSFU_{i,t}}$: نسبت کل بدهی‌ها بر حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال مالی t؛

$\mathrm{MBV_{i,t}}$: فرصت‌های رشد شرکت i در سال مالی t؛

$\mathrm{DIV_{i,t}}$: شاخص تقسیم سود نقدی شرکت i در سال مالی t؛

$\mathrm{FORREV_{i,t}}$: شاخص فروش صادراتی شرکت i در سال مالی t؛

$\mathrm{AGE_{i,t}}$: سن شرکت i در سال مالی t؛

$\mathrm{Q*FCF_{i,t}}$: هزینه نمایندگی شرکت i در سال مالی t است که از حاصلضرب کیوتوبین در جریان نقد آزاد بدست می‌آید. در این پژوهش برای اندازه‌گیری کیو توبین طبق مدل شماره ۲ از مجموع ارزش بازار حقوق صاحبان سهام با ارزش دفتری بدهی‌ها تقسیم بر ارزش دفتری دارایی‌ها محاسبه می شود.

www.SID.ir

Archive of SID

$$QTobin = \frac{(\text{ارزش بازار حقوق صاحبان سهام} + \text{ارزش دفتری بدهیها})}{\text{ارزش دفتری داراییها}}$$

مدل ۲)

در این پژوهش برای اندازه‌گیری جریان نقد آزاد از مدل لِن و پُلسن (۱۹۸۹) استفاده شده است که از طریق مدل شماره ۳ زیر محاسبه می‌شود:

$$FCF = \frac{(\text{سود سهام پرداختی} - \text{هزینه بهره پرداختی} - \text{کل مالیات پرداختی} - \text{سود عملیاتی قبل از استهلاک شرکت})}{\text{ارزش دفتری داراییها}}$$

مدل(۳)

در این شاخص حاصل ضرب کیوتوبین و جریان نقد آزاد هزینه‌های نمایندگی را نشان می‌دهد به عبارت دیگر هرچه تعامل ارزش شرکت و جریان نقد آزاد افزایش یابد نشان دهنده هزینه‌های نمایندگی کمتری است که در پژوهش حاضر به منظور تفسیر راحت‌تر تاثیر این متغیر بر مدیریت سود بر منفی یک ضرب شده است تا افزایش این معیار افزایش هزینه نمایندگی و کاهش آن کاهش هزینه نمایندگی را نشان دهد.

$R_{i,t}$: بازده سهام شرکت i در سال مالی t

■ متغیر وابسته

متغیر وابسته در این پژوهش، لحن گزارشگری مالی است. لحن متغیری است که شاخصی برای زبان گزارشگری مالی در گزارش سالانه هیات مدیره می‌باشد. در پژوهش حاضر از گزارش سالانه هیات مدیره درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت به مجمع عمومی صاحبان سهام به عنوان مجرای ارتباطی مدیریت با سهامداران استفاده شده است. این گزارش از جنبه های مختلف از جمله اختیارات مدیریت در زمینه تهیه و تنظیم شکلی و محتوایی، تا حد زیادی شبیه به نامه سالانه مدیر ارشد اجرایی به سهامداران است. طبق ماده ۲۳۲ قانون تجارت، هیات مدیره شرکت باید پس از انقضای سال مالی، گزارشی درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت تنظیم و به مجمع عمومی عادی سالانه ارایه دهد. همچنین بر اساس بند ۳ ماده ۴۵ قانون بازار اوراق بهادار، شرکت های ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار، مکلف به ارائه آن طبق دستورالعمل اجرایی سازمان، می باشند (رهنمای رودپشتی و محسنی، ۱۳۹۷).

با توجه به الزامات قانونی فوق و نظر به فقدان یک ساختار مشخص برای گزارش فعالیت و وضع عمومی شرکت و نیز پراکندگی زیاد در محتوا و نوع اطلاعات منتشره در این گزارشها، سازمان بورس و اوراق بهادار در چارچوب وظائف و اختیارات خود و به منظور تامین نیازهای اطلاعاتی سرمایه گذاران، تدوین گزارش نمونه "فعالیت و وضع عمومی شرکت را در دستور کار خود قرار داد. با این حال، این نمونه گزارش که به عنوان یک الگو در اختیار شرکت ها قرار گرفت،

www.SID.ir

Archive of SID

نتوانست چارچوبی ساختار یافته و با درجه استاندارد سازی بالا فراهم آورد. از این رو آزادی عمل و اختیارات زیادی به مدیریت داده شده و مدیر می تواند ضمن عمل به توصیه های مطروحه در گزارش نمونه، شکل و محتوای گزارش را تغییر دهد.

تجزیه و تحلیل ما نیازمند استفاده از ابزار لحن خوش‌بینانه و بدبینانه در گزارش‌های سالانه هیات مدیره درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت به مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، می‌باشد. برای به دست آوردن سطوح سیستماتیک لحن خوش‌بینانه و بدبینانه، از کلمات مورد استفاده در نرم‌افزار تحلیل متن و محتوای دیکشن ۵ استفاده کردیم. دیکشن ۵ برنامه تجزیه و تحلیل محتوا مبتنی بر فرهنگ لغت است و شامل کلماتی است که در تجزیه و تحلیل گفتمان روایت از جمله گزارش‌های سالانه به سهامداران و دیگر ارتباطات کسب و کار و همچنین تحقیقات دانشگاهی در زمینه‌های کاربردی به طور گسترده‌تر استفاده شده است. در این پژوهش، پس از بررسی گزارش‌های سالانه هیات مدیره مشاهده گردید که، واژه های بدبینانه و خوش بینانه موجود در جدول شماره ۲ بطور گسترده‌ای در مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

جدول ۲- فهرست واژه‌های مرتبط با لحن بدبینانه و خوش بینانه

فهرست واژه‌های مرتبط با لحن بدبینانه
بی‌ثبات (ناپایدار)، سختی، مشکل، ضعف (نقص)، سوء استفاده، هشدار، ورشکسته شدن، تنزل، تهدید، متأسفانه، نمی‌توان، نباید، انجام ندادن، نه، هیچ (صفر). گران، زیان، سخت (پیچیده).
فهرست واژه‌های مرتبط با لحن خوش بینانه
بهبود، سودآور، توانا، مطلوب، خوب، عالی ، مثبت، قوی، موفق، تحسین، اعتماد به نفس، خوشحال، راضی، تعهد، فداکاری، وفاداری، بهره‌وری، پیشرفت، کیفیت، بهترین.

با توجه به عدم وجود نرم‌افزاری که بتواند متون فارسی به فرمت PDF را تحلیل و تعداد و نوع کلمات مورد نیاز را استخراج نماید، به همین منظور اقدام به مطالعه گزارش‌های سالانه هیات مدیره ۸۳۳ سال-شرکت نموده و با شمارش دستی، تعداد واژه‌های بدبینانه، خوش‌بینانه و کل واژه‌های هر گزارش استخراج شد. سپس تعداد واژه‌های بدبینانه و خوش‌بینانه در هر گزارش را به‌طور جداگانه بر تعداد کل واژه‌ها تقسیم نموده و نسبت‌هایی بدست آمد. طبق روش فلدمن و همکاران (۲۰۱۰) و داویس و تاماسوییت (۲۰۱۲) در گزارش‌های سالانه هیات مدیره، هرگاه نسبت واژه‌های بدبینانه بر تعداد کل واژه‌ها، بیشتر از نسبت واژه‌های خوش‌بینانه بر کل واژه‌ها باشد لحن گزارش، بدبینانه خواهد بود و برعکس. با توجه به اینکه لحن بدبینانه گزارشگری مالی، از قابلیت اتکاء برخوردار بوده و همچنین مدیران با استفاده از لحن بدبینانه، اطلاعات مربوط‌تر و

www.SID.ir

Archive of SID

آینده‌نگرتری در گزارش‌های سالانه افشاء می‌کنند، از لحن بدبینانه در مدل آزمون فرضیه استفاده شد.

■ **متغیر مستقل**

متغیر مستقل پژوهش حاضر، حاکمیت شرکتی ($CG_{i,t}$) می‌باشد. برای اندازه‌گیری ساز و کارهای حاکمیت شرکتی، از روش تاپسیس[۱] استفاده شده است. شاخصی که متشکل از شش معیار استقلال هیات مدیره، مالکیت مدیریتی، دوگانگی وظایف مدیر عامل، کیفیت حسابرسی، مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت ساخته شده است. با استفاده از این شاخص به امتیازبندی شرکت‌های نمونه براساس این شش معیار حاکمیت شرکتی پرداخته شده است. در این امتیازبندی چند شاخصه فرض می‌کنیم که وزن تأثیر تمامی این معیارهای حاکمیت شرکتی در تصمیم‌گیری یکسان و برابر با ۰.۱۶۷ یا $\frac{1}{6}$ است. در این پژوهش نیز شرکت‌های مورد بررسی برای هر سال براساس شش سازوکار حاکمیت شرکتی مذکور امتیازبندی شد. باتوجه به نتایج متناقض پژوهش‌ها در مورد تأثیر متضاد و دوگانه برخی از این سازوکارهای حاکمیت شرکتی، تعیین جنبه مثبت یا منفی برخی از این معیارها دشوار است. برای حل این مساله با مراجعه به پژوهش‌هایی که در چند سال اخیر در حوزه معیارهای حاکمیت شرکتی و تأثیر آن بر وضعیت شرکت به لحاظ نقدشوندگی سهام، میزان محافظه‌کاری، میزان کیفیت گزارشگری مالی، میزان مدیریت سود، ارزش شرکت، کارایی اطلاعات، کیفیت افشاء و ... انجام گرفته، معیاری که در نتایج حاصل از اکثر پژوهش‌ها از خود جنبه مثبت را نشان داده به عنوان معیار با جنبه مثبت (یعنی معیاری از حاکمیت شرکتی که باعث بهبود وضعیت شرکت می‌شود) و معیاری که در نتایج حاصل از اکثر پژوهش‌ها از خود جنبه منفی را نشان داده به عنوان معیار با جنبه منفی در نظر گرفته شده است (بادآورنهندی، حشمت، ۱۳۹۷). در جدول۳ ضمن تعریف عملیاتی معیارهای حاکمیت شرکتی درصد پژوهش‌هایی که در۶ سال اخیر منجر به جنبه مثبت و یا منفی این معیارها شده است لحاظ می‌شود.

به منظور پیاده‌سازی روش تاپسیس برای رتبه‌بندی شرکت‌ها بر اساس سازوکارهای حاکمیت شرکتی، بعد از انتخاب این شش معیار ماتریس تصمیم با ۶ ستون و ۱۱۹ سطر برای هر سال تشکیل شد. سپس به ترتیب ابتدا مربعات هر مولفه ماتریس و سپس مجموع مجذور مربعات هر ستون (هر معیار) محاسبه و با تقسیم هر مولفه ماتریس بر مجذور مجموع مربعات و ضرب در وزن هر شاخص ماتریس را بی‌مقیاس کرده و سپس برای هر معیار راه حل ایده‌آل مثبت و راه حل ایده‌آل منفی را بدست آورده و فاصله هر گزینه از ایده‌آل مثبت و منفی را محاسبه و نهایتاً

۱. TOPSIS

www.SID.ir

Archive of SID

ضریب نزدیکی هر گزینه نسبت به راه حل ایده‌آل محاسبه شد که نشان دهنده امتیاز حاکمیت شرکتی برای هر شرکت می‌باشد.

جدول ۳- معیارهای حاکمیت شرکتی

معیار	تعریف عملیاتی	جنبه
۱: استقلال هیات مدیره	تعداد اعضای غیر موظف در ترکیب هیات مدیره تقسیم بر تعداد کل اعضای هیات مدیره	مثبت- ۹۰٪
مهرانی و همکاران (۱۳۹۰) ارتباط منفی بین استقلال هیات مدیره و مدیریت سود(+)؛ یعقوب‌نژاد و همکاران (۱۳۹۰) ارتباط مثبت بین استقلال هیات مدیره و نقدشوندگی سهام(+)؛ شورورزی و همکاران (۱۳۹۵)ارتباط مثبت بین استقلال هیات مدیره و عملکرد شرکت(+)؛ مهرانی و فروزی (۱۳۹۶) ارتباط مثبت بین استقلال هیات مدیره و نقدشوندگی سهام(+)؛ مهدوی و طلاتپه (۱۳۹۴) ارتباط مثبت بین استقلال هیات مدیره با سطح افشای داوطلبانه(+)؛ تنانی و همکاران (۱۳۹۴) ارتباط منفی بین استقلال هیات مدیره با ریسک ریزش قیمت سهام(+)؛ حساس یگانه (۱۳۹۵) ارتباط منفی استقلال هیات مدیره و مدیریت واقعی سود(+)؛ خوراسگانی و دستگیر (۱۳۹۵) ارتباط منفی بین استقلال هیات مدیره و تجدید ارائه صورت‌های مالی(+)؛ ناظمی و همکاران (۱۳۹۳) ارتباط منفی بین استقلال هیات مدیره و کارایی مدیریت موجودی کالا(-)، خرمی و غلامی جمکرانی (۱۳۹۵) ارتباط منفی بین استقلال هیات مدیره و میزان خوش‌بینی مدیران(+). (از ۱۰ پژوهش مورد بررسی ۹ مورد اثرات مثبت را از خود نشان داده‌اند که نشان دهنده مثبت بودن این جنبه در ۹۰ درصد پژوهش‌های مورد بررسی در سالهای اخیر است.)		
۲: مالکیت مدیریت	بیان‌گر درصد سهام نگهداری شده توسط اعضای هیات مدیره است.	مثبت- ۸۶٪
خرمی و غلامی جمکرانی (۱۳۹۵) ارتباط منفی بین مالکیت مدیریتی و خوش‌بینی مدیریت(+)؛ اَستا (۱۳۹۰) ارتباط منفی بین مالکیت مدیریت و مدیریت سود(+)؛ پرندین و همکاران (۱۳۹۵) ارتباط منفی بین مالکیت مدیریتی و محافظه‌کاری مشروط(+)؛ ناظمی و همکاران (۱۳۹۳) ارتباط مثبت بین مالکیت مدیریتی و کارایی مدیریت موجودی کالا(+)؛ ستایش و همکاران (۱۳۹۳) ارتباط منفی بین مالکیت مدیریتی و میزان نگهداری موجودی کالا(+)؛ نمازی و کرمانی (۱۳۸۷) تاثیر منفی مالکیت مدیریتی بر عملکرد شرکت(-)؛ احمدوند و همکاران (۱۳۹۰) تاثیر مثبت مالکیت مدیریتی بر عملکرد شرکت (دو معیار کیوتوبین و ساختار سرمایه)(+) (از ۷ مورد ۶ مورد تاثیر مثبت داشته که نتیجه می‌شود ۸۵.۷ %)		
۳: دوگانگی وظیفه مدیر عامل	اگر مدیر عامل رئیس هیات مدیره نیز باشد به این وضعیت دوگانگی وظیفه مدیر عامل اطلاق می‌شود. در این پژوهش دوگانگی به صورت یک متغیر مجازی که در اندازه گیری آن اگر نقش مدیرعامل از رئیس یا نائب رئیس هیئت مدیره تفیکک نشده باشد عدد یک، و در غیر این صورت عدد صفر به آن تعلق می‌گیرد.	منفی-۹۰٪

www.SID.ir

Archive of SID

شـــورورزی و همکاران (۱۳۹۴) عدم وجود رابطه بین دوگانگی پســـت مدیرعامل و عملکرد شـــرکت؛ مهدوی و طلاتپه (۱۳۹۴) ارتباط منفی بین دوگانگی پست مدیرعامل با سطح افشای داوطلبانه؛ ناظمی و همکاران (۱۳۹۳) ارتباط منفی بین دوگانگی پست مدیرعامل و کارایی مدیریت موجودی کالا، خرمی و غلامی جمکرانی (۱۳۹۵) ارتباط مثبت بین استقلال هیات مدیره و میزان خوش‌بینی مدیران؛		
۴:کیفیت حسابرسی	اگر امتیاز کنترل کیفیت حسابرس الف باشد به آن عدد ۱ و اگر غیر از الف باشد به آن عدد صفر اختصاص می‌یابد. امتیاز کنترل کیفیت توسط جامعه حسابداران رسمی ایران منتشر می‌شود.	مثبت-۸۹٪
حساس یگانه (۱۳۹۵) تاثیر منفی کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود واقعی؛ خوراسگانی و دستگیر (۱۳۹۵) ارتباط منفی بین کیفیت حسابرسی و تجدید ارائه صورت‌های مالی؛ احمدی و جمالی (۱۳۹۲) ارتباط مثبت بین کیفیت حسابرسی و بازده آتی سهام؛ حاجیها و قانع (۱۳۹۵) ارتباط مثبت بین کیفیت حسابرسی و فرصت سرمایه‌گذاری؛		
۵: مالکیت نهادی	به صورت درصد سهام در اختیار سهام‌داران نهادی اندازه‌گیری می‌شود. سهام‌داران نهادی به اشخاص حقوقی یا شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری و ... گفته می‌شود که بخش بزرگی از سهام را در اختیار دارند و نسبت به سرمایه‌گذاران فردی آگاه‌تر و اطلاعات بیشتری دارند.	مثبت- ۸۸٪
خوراسگانی و دستگیر (۱۳۹۵) ارتباط منفی بین مالکیت نهادی با تجدید ارائه صورت‌های مالی؛ تنانی و همکاران (۱۳۹۴) ارتباط منفی بین مالکیت نهادی و ریسک ریزش قیمت سهام؛ یعقوب‌نژاد و همکاران (۱۳۹۰) ارتباط مثبت بین مالکیت نهادی و نقدشوندگی سهام؛ رهنمای رودپشتی و همکاران (۱۳۹۱) ارتباط مثبت بین مالکیت نهادی و مدیریت سود؛ مهرانی و همکاران (۱۳۹۰) ارتباط منفی بین مالکیت نهادی و مدیریت سود؛ آقایی و چالاکی (۱۳۸۹) ارتباط منفی بین مالکیت نهادی و مدیریت سود؛ مرادزاده و همکاران (۱۳۸۸) ارتباط منفی بین مالکیت نهادی و مدیریت سود؛ حساس یگانه و همکاران (۱۳۸۷) ارتباط مثبت بین مالکیت نهادی و ارزش شرکت؛ مهرانی و همکاران (۱۳۸۹) ارتباط مثبت بین مالکیت نهادی و محافظه‌کاری؛ اُستا (۱۳۹۰) ارتباط منفی بین مالکیت نهادی و مدیریت سود؛ پرندین و همکاران (۱۳۹۵) ارتباط مثبت بین مالکیت نهادی و محافظه‌کاری شرطی؛ اسکندری (۱۳۸۶) ارتباط مثبت بین سرمایه‌گذاران نهادی و ارزش شرکت؛ بادآور نهندی و همکاران (۱۳۹۵) تاثیر منفی مالکیت نهادی بر کارایی اطلاعاتی؛ ناظمی و همکاران (۱۳۹۳) ارتباط مثبت بین مالکیت نهادی و کارایی مدیریت موجودی کالا؛ ابراهیمی میمند (۱۳۹۰) ارتباط مثبت بین مالکیت نهادی و کیفیت افشا؛ مهرانی و همکاران (۱۳۹۴) ارتباط مثبت بین مالکیت نهادی و انعطاف‌پذیری مالی؛ شورورزی و همکاران (۱۳۹۴) ارتباط مثبت بین مالکیت نهادی و عملکرد شرکت.		
۶: تمرکز مالکیت نهادی	تمرکز مالکیت نهادی از طریق شاخص هرفیندال هیرشمن	منفی- ۶۰٪

www.SID.ir

Archive of SID

	محاسبه می‌شود که در آن درصد مالکیت سهام‌داران نهادی هر شرکت به توان ۲ رسیده و با هم جمع می‌شود و عددی بین ۰ و ۱ حاصل می‌شود که هرچه این عدد به یک نزدیک‌تر، نشان از تمرکز مالکیت و معکوس آن نشاندهنده عدم تمرکز مالکیت می‌باشد. $HH = \sum_{i=1}^{n} INSOWN^2$	

خرمی و غلامی جمکرانی (۱۳۹۵) ارتباط منفی بین تمرکز مالکیت و خوش‌بینی مدیریتی؛ مهرانی و فروزی (۱۳۹۶) ارتباط منفی بین تمرکز مالکیت و نقدشوندگی سهام؛ یعقوب‌نژاد و همکاران (۱۳۹۰) ارتباط منفی بین تمرکز مالکیت و نقدشوندگی سهام؛ رهنمای رودپشتی و همکاران (۱۳۹۱) ارتباط منفی بین تمرکز مالکیت و مدیریت سود؛ بادآور نهندی و همکاران (۱۳۹۵) عدم تاثیر تمرکز مالکیت بر کارایی اطلاعاتی شرکت، حساس یگانه (۱۳۹۵) تاثیر منفی تمرکز مالکیت بر مدیریت سود، مشایخ و ماه‌آورپور (۱۳۸۸) ارتباط مثبت بین تمرکز مالکیت و عملکرد شرکت؛ مهرانی و همکاران (۱۳۹۴) ارتباط منفی بین تمرکز مالکیت و انعطاف‌پذیری مالی؛ رضایی و پیری (۱۳۹۰) ارتباط منفی بین تمرکز مالکیت و سنجه‌های نقدینگی شرکت؛ مهدوی و حیدری (۱۳۸۴) ارتباط مثبت بین تمرکز مالکیت و سنجه‌های نقدینگی؛ ستایش و همکاران (۱۳۹۳) ارتباط منفی بین تمرکز مالکیت و نگهداری وجه نقد؛ مهرانی و همکاران (۱۳۹۱) ارتباط منفی بین تمرکز مالکیت با کیفیت اطلاعات حسابداری؛ واعظ و همکاران (۱۳۸۹) تاثیر منفی تمرکز مالکیت بر ارزش شرکت؛ محمدی و همکاران (۱۳۸۹) ارتباط مثبت بین تمرکز مالکیت و بازدهی شرکت‌ها؛ مرادزاده و همکاران (۱۳۸۸) ارتباط منفی بین تمرکز مالکیت و مدیریت سود.

■ متغیرهای کنترل

اندازه شرکت ($LnA_{i,t}$) از طریق لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت،

جریان نقد عملیاتی ($OCF_{i,t}$) از طریق نسبت گردش وجوه نقد عملیاتی بر کل دارایی،

نسبت کل بدهی‌ها بر حقوق صاحبان سهام ($TLSFU_{i,t}$)،

فرصت‌های رشد ($MBV_{i,t}$) از طریق نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام،

شاخص تقسیم سود نقدی ($DIV_{i,t}$) از تقسیم کل سود پرداختی بر تعداد سهام به‌دست می‌آید، شاخص فروش صادراتی ($FORREV_{i,t}$) شرکت‌هایی که فروش (درآمد) صادراتی دارند عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر لحاظ می‌شود و

شاخص جریان نقد عملیاتی ($CFD_{i,t}$) معیار جریان نقد عملیاتی را به متغیر مجازی تبدیل می‌کند یعنی اگر نسبت جریان نقد عملیاتی شرکت منفی باشد به آن مقدار یک و در غیر این

www.SID.ir

Archive of SID

صورت عدد صفر لحاظ می‌شود،

سن شرکت ($AGE_{i,t}$) از طریق سال آخری که شرکت در دوره پژوهش در بورس حضور داشته منهای سال ورود شرکت به بورس (سال ورود شرکت به بورس سالی است که شرکت تمامی شرایط لازم به لحاظ وسعت دارایی‌ها و حقوق صاحبان سهام را دارا می‌باشد و از این تاریخ قابلیت مقایسه با سایر شرکت‌های بورسی را دارا است) ،

هزینه نمایندگی ($Q^*FCF_{i,t}$) از طریق حاصلضرب کیوتوبین در جریان نقد آزاد به‌دست می‌آید،

بازده($R_{i,t}$) که همان بازده سالانه سهام است که طبق مدل شماره (۴) اندازه‌گیری شده است:

مدل(۴)
$$RET_{i,t} = \frac{[P_t(1+\alpha+\beta) - (P_{t-1} + C\alpha) + DPS]}{P_{t-1} + C\alpha}$$

که در آن: P_t = قیمت پایان سال سهم؛ α = درصد افزایش سرمایه از محل آورده نقدی و مطالبات؛ β= درصد افزایش سرمایه از محل اندوخته ها و سود سهمی؛ C = مبلغ پذیره نویسی سهام (معمولا ۱۰۰۰ ریالی) ؛P_{t-1} = قیمت ابتدای سال سهم؛ DPS = سود نقدی هر سهم

$CFD_{i,t}$: شاخص جریان نقد عملیاتی شرکت i در سال مالی t

۵- یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

پس از جمع‌آوری داده‌ها و محاسبهٔ متغیرهای پژوهش، پارامترهای توصیفی هر متغیر به‌صورت جداگانه محاسبه شدند که در جدول شماره (۴) زیر نشان داده شده است.

جدول ۴-آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در سطح کل شرکت‌ها

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
حاکمیت شرکتی	۸۳۳	۰/۵۸۶	۰/۶۳۶	۰/۱۸۰	۰/۱۶۳	۰/۸۹۶
لحن بدبینانه	۸۳۳	۰/۰۲۵	۰/۰۲۱	۰/۰۲۳	۰/۰۰۰	۰/۱۱۸
اندازه شرکت	۸۳۳	۱۳/۸۲	۱۳/۶۵	۱/۳۹	۱۰/۸۲	۱۸/۴۷
جریان نقدعملیاتی	۸۳۳	۰/۱۰۶	۰/۰۹۸	۰/۱۱۴	-۰/۲۹۸	۰/۴۷۶
نسبت کل بدهی‌ها بر حقوق صاحبان سهام	۸۳۳	۰/۷۰	۰/۶۵	۰/۴۱	۰/۰۱	۳/۷۶
فرصت‌های رشد	۸۳۳	۰/۹۶۵	۰/۵۴۶	۱/۱۱۹	۰/۰۶۶	۷/۹۸۵
سن شرکت	۸۳۳	۴۰/۹۲	۴۳/۰۰	۱۰/۳۱	۱۷/۰۰	۶۳/۰۰
هزینه نمایندگی	۸۳۳	۰/۲۱۵	۰/۱۵۷	۰/۲۲۷	-۰/۳۶۱	۰/۹۸۵
بازده سالانه سهام	۸۳۳	۰/۵۳۳	۰/۲۲۷	۰/۹۶۵	-۰/۶۸۲	۴/۶۱۲

www.SID.ir

Archive of SID

جدول (۴) آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد، که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزا است. این پارامترها عمدتاً شامل اطلاعات مربوط به شاخص‌های مرکزی نظیر میانگین، میانه و همچنین، اطلاعات مربوط به شاخص‌های پراکندگی نظیر انحراف معیار است. برای مثال میانگین متغیر لحن بدبینانه گزارشگری مالی برابر با (۰/۰۲۵) است و بیانگر آن است که در نمونه مورد بررسی، نسبت استفاده از واژگان بدبینانه به کل واژگان در گزارش فعالیت‌های هیات مدیره به طور میانگین حدود ۳ درصد می‌باشد.

آمار توصیفی مربوط به حداقل و حداکثر نیز نشان می‌دهد که در نمونه مورد بررسی که میزان حداقل آن صفراست، یعنی از بین ۱۱۹ شرکت،فقط گزارشهای هیات مدیره ۶ شرکت شامل پتروشیمی شازند، مواد داروپخش، فرآورده تزریقی،کاشی سعدی،فرآوری مواد معدنی و فولاد مبارکه اصلا ازواژه های بدبینانه استفاده نشده است. درحالیکه ۱۱۳ شرکت طی سالهای مورد بررسی از لحن بدبینانه استفاده نموده اند. بعنوان مثال در گزارش هیات مدیره شرکت رادیاتور ایران۵۲ واژه بدبینانه، ایران خودرو ۴۱واژه بدبینانه، پتروشیمی شیراز ۴۰ واژه بدبینانه و آهنگری تراکتورسازی۳۵واژه بدبینانه بکاررفته است.از طرف دیگر حداکثر میزان آن نشان می‌دهد در گزارش‌های مورد بررسی حداکثر میزان استفاده از واژگان بدبینانه ۱۱ درصد بوده است. میانگین برای متغیر حاکمیت شرکتی نشان می‌دهد که امتیاز حاکمیت شرکتی در نمونه مورد بررسی به طور متوسط ۵۹ درصد است و در مقایسه با میانه این توزیع دیده می‌شود که نیمی از شرکت‌ها در واقع دارای امتیاز حاکمیت شرکتی بالاتر از ۶۰ درصد می‌باشند یعنی میزان رعایت الزامات راهبری شرکتی در نمونه مورد بررسی ۵۰-۵۰ است. حداکثر میزان امتیاز حاکمیت شرکتی در مشاهدات ۸۹ درصد است، یعنی در بین مشاهدات شرکتی نبوده که ۱۰۰ درصد الزامات راهبری را به طور کامل پیاده کرده باشد.

■آزمون فرضیه پژوهش

روش آماری مورد استفاده در این پژوهش روش رگرسیون با استفاده از داده‌های ترکیبی است. فرضیه پژوهش از طریق نتایج حاصل از الگوهای اقتصادسنجی و رگرسیون چند متغیره مورد آزمون قرار می‌گیرد. هم‌چنین سطح اطمینان مورد استفاده جهت آزمون فرضیه و بررسی فروض کلاسیک رگرسیون ۹۵ درصد است. در داده‌های ترکیبی به منظور انتخاب بین داده‌های تابلویی و داده‌های تلفیقی از آزمون اف-لیمر استفاده شده است و براساس معنی داری کم‌تر از ۵ درصدِ این آزمون روش داده‌های تابلویی انتخاب شده و در مرحله بعدی برای انتخاب بین روش اثرات ثابت و اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شده که معنی‌داری کم‌تر از ۵٪ آن حاکی از استفاده از رگرسیون داده‌های تابلویی با اثرات ثابت می‌باشد که در جدول شماره (۵) در زیر نشان داده شده است.

www.SID.ir

Archive of SID

جدول ۵- نتایج آزمون F لیمر و هاسمن برای فرضیه پژوهش

آزمون هاسمن			آزمون Fلیمر		
نتیجه	معنی‌داری	آماره خی‌دو	نتیجه	معنی‌داری	Fآماره
اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۵۶/۸۱۱	تابلویی (پانلی)	۰/۰۰۰	۶/۵۹۴

نتایج حاصل از برآورد فرضیه پژوهش مبنی بر این‌که هرچه میزان حاکمیت شرکتی قوی‌تر باشد، لحن بدبینانه در گزارشگری مالی بیشتر خواهد شد به شرح جدول شماره (۶) می‌باشد:

جدول۶- نتایج برآورد فرضیه پژوهش

$$TONE_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 CG_{i,t} + \alpha_2 lnA_{i,t} + \alpha_3 OCF_{i,t} + \alpha_4 TLSFU_{i,t} + \alpha_5 MBV_{i,t} + \alpha_6 DIV_{i,t} + \alpha_7 FORREV_{i,t} + \alpha_8 AGE_{i,t} + \alpha_9 Q * FCF_{i,t} + \alpha_{10} R_{i,t} + \alpha_{11} CFD_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

متغیرها		ضریب	آماره t	معناداری	آماره VIF
عرض از مبدا	β_0	-۰/۰۶۸	-۵/۱۹۱	۰/۰۰۰	---
امتیاز حاکمیت شرکتی	$CG_{i,t}$	۰/۰۱۹	۴/۸۳۸	۰/۰۰۰	۱/۰۷
اندازه شرکت	$LnA_{i,t}$	۰/۰۱۵	۵/۹۰۷	۰/۰۰۰	۱/۲۰
جریان نقد عملیاتی	$OCF_{i,t}$	-۰/۰۰۰۴	-۰/۰۵۸	۰/۹۵۳	۱/۷۶
نسبت کل بدهی‌ها بر حقوق صاحبان سهام	$TLSFU_{i,t}$	۰/۰۰۲	۳/۱۰۱	۰/۰۰۲	۱/۳۵
فرصت‌های رشد	$MBV_{i,t}$	۰/۰۰۰۴	۰/۶۲۷	۰/۵۳۱	۱/۸۹
شاخص تقسیم سود نقدی	$DIV_{i,t}$	۰/۰۰۳	۱/۲۵۹	۰/۲۰۸	۱/۲۱
شاخص فروش صادراتی	$FORREV_{i,t}$	۰/۰۱۲	۴/۵۹۲	۰/۰۰۰	۱/۱۴
سن شرکت	$AGE_{i,t}$	-۰/۰۰۹	-۱/۰۴۶	۰/۲۹۶	۱/۰۷
هزینه‌های نمایندگی	$Q*FCF_{i,t}$	-۰/۰۰۹	-۲/۰۱۶	۰/۰۴۴	۲/۱۰
بازده سالانه سهام	$R_{i,t}$	۰/۰۰۱	۰/۹۸۷	۰/۳۲۴	۱/۰۷
شاخص جریان نقد عملیاتی	$CFD_{i,t}$	-۰/۰۰۳	-۱/۳۸۳	۰/۱۶۷	۱/۶۲
آماره فیشر		۸/۶۸۸	معناداری		۰/۰۰۰
ضریب تعیین		۰/۶۱۴	ضریب تعیین تعدیل‌شده		۰/۵۴۴
آماره دوربین واتسون		۱/۶۴۵	میانگین VIF		۱/۴۱
آزمون خودهمبستگی WOOLDRIDGE		۲/۶۸۳	معناداری		۰/۱۰۳۲
آزمون ناهمسانی واریانس(LR)		۱۸۶/۰۰	معناداری		۰/۳۴۴۴

معناداری در سطح خطای ۵٪

همانطور که در جدول شماره (۷) مشاهده می‌شود، نتایج برآورد مدل پژوهش نشان می‌دهد که عرض از مبداء (۰/۰۶۸-) و ضرایب متغیرهای امتیاز حاکمیت شرکتی (۰/۰۱۹)، اندازه شرکت

www.SID.ir

Archive of SID

(۰/۰۱۵)، نسبت کل بدهی‌ها به حقوق صاحبان سهام (۰/۰۰۲)، شاخص فروش صادراتی (۰/۰۱۲) و هزینه‌های نمایندگی (۰/۰۰۹-) در سطح ۵٪ خطا معنا دارند. معناداری آماره فیشر (۸/۶۸۸) حاکی از معناداری کلی مدل در سطح ۵٪ خطا است. ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می‌دهد که متغیر مستقل مدل، ۵۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند که توانایی تبیین مناسب می‌باشد.

مقدار آماره دوربین واتسون (۱/۶۴۵) نیز عدم همبستگی بین خطاها (باقیمانده های مدل) را نشان می‌دهد و به معنی این است که امکان استفاده از رگرسیون وجود دارد. آزمون خود همبستگی سریالی و ولدریج (۲/۶۸۳) نشان می‌دهد که بین اجزای اخلال مدل، مشکل خود همبستگی سریالی وجود ندارد. در نتایج آزمون هم خطی بین اجزای اخلال، آماره VIF برای همه متغیرها کمتر از ۱۰ بود که نشان از عدم وجود هم خطی بین اجزای اخلال مدل دارد. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس LR (۱۸۶/۰۰) نشان از عدم وجود ناهمسانی واریانس خطاهای مدل دارد. بنابراین در کل می‌توان به نتایج برآورد مدل اتکا کرد.

معنادار بودن ضریب متغیر امتیاز حاکمیت شرکتی با آماره تی استیودنت معادل ۴/۸۳۸ و سطح خطای ۰/۰۱ نشان می‌دهد که فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه حاکمیت شرکتی بر لحن بدبینانه در گزارشگری مالی تأثیر دارد، در سطح خطای ۵٪ رد نمی‌شود. همین طور برازش مدل رگرسیونی پژوهش منجر به محاسبه ضریب مثبت برای متغیرهای اندازه شرکت، نسبت کل بدهی‌ها به حقوق صاحبان سهام، شاخص فروش صادراتی و نیز منجر به محاسبه ضریب منفی برای متغیر هزینه‌های نمایندگی با سطح مناسبی از معناداری از نظر آماری گردیده، که نشان می‌دهد با افزایش اندازه شرکت و با افزایش نسبت بدهی‌ها در ساختار سرمایه و با افزایش فروش صادراتی، لحن بدبینانه افزایش می‌یابد، ولی با افزایش هزینه‌های نمایندگی شرکت، لحن بدبینانه کاهش می‌یابد.

پس به‌طور کلی نتایج حاصل از فرضیه پژوهش چنین بیان می‌دارد که، حاکمیت شرکتی بر لحن بدبینانه گزارشگری مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد، یعنی با افزایش امتیاز حاکمیت شرکتی، لحن بدبینانه در گزارشگری مالی افزایش می‌یابد.

۶- نتیجه‌گیری و بحث

هنگامی که انگیزه های نمایندگی وجود دارد، کلام استفاده شده در متن های توصیفی می تواند خواننده را فریب داده و بصورت راهبردی و نه برای اهداف اطلاع رسانی استفاده شود. لحن غیر عادی می تواند بصورت فرصت طلبانه ای برای بهبود فهم گزارش های مالی و در نتیجه گمراه کردن سرمایه گذاران با استفاده از کلمات مثبت برای مخفی کردن عملکرد ضعیف شرکت به کار

www.SID.ir

Archive of SID

گرفته شود. این موضوع می تواند یک وضعیت دشوار ایجاد کند. زیرا استفاده کنندگان از گزارش های سالانه هیات مدیره ادراک کمتر دقیقی درباره شرکت دارند، تهیه کنندگان گزارش های سالانه از این واقعیت آگاهی دارندو این آگاهی به نوبه خود انگیزه ای برای تهیه کنندگان به وجود می آورد که لحن خود را به منظور تغییر درک و بدون ارائه کردن داده های نادرست، مدیریت کنند. مدیریت لحن می تواند برای دستکاری ادراک استفاده کنندگان نسبت به شرکت استفاده شود و این موضوع، عدم تقارن اطلاعاتی را موجب می شود.

حاکمیت شرکتی به عنوان مکانیزمی برای کاهش فرصت‌طلبی مدیران عمل می‌کند. شرکت‌هایی که حاکمیت شرکتی ضعیفی دارند، نسبت به فرصت‌طلبی مدیران آسیب‌پذیر هستند. اگر مکانیزمی وجود داشته باشد که فرصت‌طلبی مدیران را محدود کند، چنین مکانیزمی باید بتواند مانع از مدیریت ادراک آن دسته از مدیرانی شود که از طریق استفاده از واژه‌های مثبت در قالب لحن خوش‌بینانه، به دستکاری و انحراف در ادراک استفاده کنندگان می‌پردازند. باتوجه به نقش و اهمیت حاکمیت شرکتی در جلوگیری از فرصت‌طلبی مدیران، در این پژوهش به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر لحن گزارشگری مالی پرداخته شد. پژوهش حاضر دو حوزه مهم را مد نظر قرار داد و با توجه به اهمیت موضوع و اینکه چگونه مدیران هنگام دستکاری اطلاعات از لحن گزارشگری مالی به‌طور فرصت‌طلبانه در گزارش‌های توضیحی حسابداری استفاده می‌کنند، یک فرضیه مطرح شد. نتایج آزمون فرضیه پژوهش نشان داد که، حاکمیت شرکتی بر لحن بدبینانه گزارشگری مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد، یعنی با افزایش امتیاز حاکمیت شرکتی، لحن بدبینانه گزارشگری مالی افزایش می‌یابد. به عبارتی هر چقدر حاکمیت شرکتی قویتر باشد، مانع از بکارگیری واژه‌های مثبت توسط مدیران، در قالب لحن خوش‌بینانه جهت مدیریت ادراک استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی خواهد شد. این نتیجه با یافته‌های پژوهش یاتریدیس (۲۰۱۶) هم راستا است.

یک بحث اصلی در گزارش‌های توضیحی حسابداری، عدم تقارن اطلاعاتی که بین کاربران آگاه و ناآگاه از اطلاعات حسابداری وجود دارد. افشای مالی با کیفیت بالا موجب کاهش هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود و ارتباط بین مدیران و ذینفعان را هموار می‌سازد. مکانیزم های حاکمیت شرکتی کارآمد برتصمیم‌گیری مدیران نظارت کرده و هزینه‌های نمایندگی و پتانسیل دستکاری سود را کاهش خواهد داد. افشای بدبینانه گزارش‌های مالی، عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد و منجر به محافظه کاری بالا می‌شود. در واقع چنین پژوهش‌هایی می‌تواند نشانگر میزان موفقیت حاکمیت شرکتی قوی در جلب اعتماد عمومی به گزارشگری مالی باشد. نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند هم به مدیران کمک نماید تا بهترین رویکرد یا روش زبان‌شناسی را جهت ارائه شفاف و صحیح‌تر گزارش‌های توضیحی خود بکار گیرند و هم به

www.SID.ir

Archive of SID

تدوین‌کنندگان استانداردها و قوانین حسابداری و مالی کمک نماید تا با ارائه تمهیداتی مناسب، از جمله تقویت و بهبود سازوکارهای حاکمیت شرکتی و نیز طراحی چارچوبی برای گزارش‌های توضیحی حسابداری با واژگان مشخص، مانع از سوء استفاده و مدیریت ادراک احتمالی مدیران، از طریق بکارگیری رویکردهای زبان‌شناسی ازجمله لحن خوش‌بینانه شوند و موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین تهیه‌کنندگان گزارش‌های حسابداری و استفاده کنندگان از این گزارش‌ها شوند.

با توجه به نتایج فرضیه پژوهش مبنی بر تاثیر مثبت حاکمیت شرکتی بر لحن بدبینانه گزارشگری مالی، به سرمایه‌گذاران و سهام‌داران، پیشنهاد می‌شود در تصمیمات سرمایه‌گذاری خود، لحن گزارش‌های مالی را نیز مورد تحلیل قرار دهند و در صورت مشاهده خوش‌بینانه بودن لحن گزارش، بررسی‌های بیشتری در خصوص احتمال مدیریت ادراک از سوی مدیران داشته باشند. استفاده کننده گان از گزارشهای مالی باید آگاه باشند که فقط داشتن سازوکارهای نظارتی، اطمینان کافی از کیفیت اطلاعات و عدم تقارن اطلاعاتی را فراهم نمی کند. به سازمان بورس اوراق بهادار به عنوان مرجع نظارتی بورس پیشنهاد می‌شود در خصوص پیاده‌سازی سازوکارهای حاکمیت شرکتی مقررات سخت گیرانه‌تری اتخاذ نماید تا از این طریق بتواند مدیریت ادراک استفاده‌کنندگان توسط مدیران از طریق لحن به کارگرفته شده توسط آن‌ها را هر چه بیشتر محدود نماید. همچنین پیشنهاد می شود سازمان بورس اوراق بهاداردر تدوین سازوکارهای حاکمیت شرکتی،بعد جدیدی در ارتباط با ویژگیهای رفتاری مدیران را منظور نماید. به سیاست گذاران پیشنهاد می شود اقدام به تهیه لغت نامه فارسی در حوزه تحقیقات مالی نمایند که بتواند به عنوان ابزاری استانداردبرای سنجش لحن گزارشگری مالی استفاده شود.لذا باتوجه به ترجمه واژه های مورد استفاده در لحن و باعنایت به تفاوتهای زبانی،درصورت وجود لغت نامه استاندارد به زبان فارسی،قابلیت اتکاء ابزار پژوهش افزایش خواهد یافت.

به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی برگونه‌های مختلف زبان‌شناسی، همچون ساخت زبان و صراحت زبان در گزارش‌های توضیحی حسابداری را مورد بررسی قرار دهند. باتوجه به اینکه در این پژوهش،اثرمکانیسم های حاکمیت شرکتی بصورت غیر مستقیم بر لحن گزارشگری مالی مورد بررسی قرار گرفت،لذا پیشنهاد می شود دیگرپژوهشگران،اثر مستقیم مکانیسم های حاکمیت شرکتی را بر لحن گزارشگری مالی مورد سنجش قرار دهند.

فهرست منابع

الهیاری، اکبر. (۱۳۸۷). بررسی شکل ضعیف کارایی بازار سرمایه در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۴، صص ۱۰۸-۷۵.

www.SID.ir

Archive of SID

بادآورنهندی، یونس و حشمت، نساء. (۱۳۹۷). اثر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین توانایی مدیران و ایجاد ارزش برای سهامداران. حسابداری مدیریت، شماره ۳۸، صص ۱۰۸-۹۳.

بلکویی، احمد ریاحی. (۱۳۸۱). تئوری‌های حسابداری. (علی پارسائیان)، تهران: انتشارات ترمه، صص ۱۰۳-۱۰۲.

بنی مهد، بهمن، عربی، مهدی و حسن‌پور، شیوا. (۱۳۹۵). پژوهش‌های تجربی و روش‌شناسی در حسابداری. تهران: انتشارات ترمه، صص ۲۴-۱۲.

بیگی هرچگانی، ابراهیم، بنی مهد، بهمن، رئیس زاده، سید علیرضا و رویایی، رمضانعلی. (۱۳۹۵). بررسی تاثیر ویژگی رفتاری فرصت طلبی بر هشداردهی حسابرسان. دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، شماره ۲، صص ۹۵-۶۵.

پورحیدری، امید و سمیعی‌نژاد، نفیسه. (۱۳۹۴). بررسی تاثیر ساختار حاکمیت شرکتی بر گزارشگری مالی. پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، شماره ۶، صص ۸۰-۵۳.

پورحیدری، امید و همتی، داود. (۱۳۸۳). بررسی اثر قراردادهای بدهی، هزینه های سیاسی، طرحهای پاداش و مالکیت بر مدیریت سوددر شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسیهای حسابداری و حسابرسی، شماره ۳۶، صص ۶۳-۴۷.

جامعی، رضا و رستمیان، آزاده. (۱۳۹۵). تاثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگیهای سود پیش بینی شده. پژوهشهای حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۲۹، صص ۱۷-۱.

حجازی، رضوان و مختاری‌نژاد، حمیدرضا. (۱۳۹۶). رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه. دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، شماره ۳، صص ۶۰-۳۳.

خیراللهی، مریم، آذربایجانی، کریم، قاسمی، محمدرضا. (۱۳۹۱). بررسی کارایی بازار سرمایه در بورس اوراق بهادار تهران. چهارمین همایش ملی اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر.

دانیالی ده‌حوض، محمد و منصوری، حسین. (۱۳۹۱). بررسی کارایی بورس اوراق بهادار تهران در سطح ضعیف و اولویت‌بندی عوامل موثر بر آن. فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی (رویکرد اسلامی-ایرانی). شماره ۴۷، صص ۹۶-۷۱.

دیانتی دیلمی،زهرا. (۱۳۹۷)روش تحقیق کیفی و کمی در حسابداری همراه با نرم افزارSPSS. تهران: انتشارات عدالت نوین، صص ۱۲۹.

www.SID.ir

Archive of SID

دیانتی دیلمی، زهرا و ملک محمدی، هادی. (۱۳۹۲). بررسی تاثیر ویژگیهای نظام راهبری شرکت بر کیفیت اطلاعات مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله دانش حسابداری، شماره ۱۳، صص ۱۷۰-۱۵۱.

رهنمای رودپشتی، فریدون و محسنی، عبدالرضا. (۱۳۹۷). مدیریت، مدیریت نوشتار و مدیریت سود. پژوهشهای تجربی حسابداری، شماره ۳۰، صص ۵۱-۲۱.

رهنمای رودپشتی، فریدون، نیکومرام، هاشم و نونهال نهر، علی‌اکبر. (۱۳۹۱). ارزیابی تأثیر رویکردهای قضاوتی و شناختی زبان در گزارش‌های توضیحی حسابداری. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۲، صص ۷۲-۴۷.

صفایی، محمد، محمودی درویشانی، بابک و عباسی، ابراهیم. (۱۳۹۶). بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود و مدیریت مالیات درشرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، شماره ۲۳، صص ۱۴۳-۱۳۱.

میرعلی، مهدیه، غلامی مقدم، فایزه و حصارزاده، رضا. (۱۳۹۷). رابطه لحن گزارشگری مالی با عملکرد آتی شرکت و بازده بازار. دانش حسابداری مالی، شماره ۳، صص ۹۸-۸۱.

نظری، هنگامه، حصارزاده، رضا و عباس‌زاده، محمدرضا. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر ساخت زبان گزارش‌های مالی بر میزان تمایل به سرمایه‌گذاری. پژوهش‌های حسابداری مالی، شماره ۴، صص ۷۶-۵۵.

Aly, D., El-Halaby, Sh., and Hussainey, Kh. 2017. Tone disclosure and financial performance: evidence from Egypt. Accounting Research Journal, 31(1): 63-74.

Baginski, S. P., Hassell, J. M., and Kimbrough, M. D. (2004). Why do managers explain their earnings forecasts?. Journal of Accounting Research, 22(1): 1-29.

Brown, S., and Hillegeist, S. 2007. How Disclosure Quality Affects the Level of Information Asymmetry. Review of Accounting Studies, 12: 443-477.

Boudta, K., Thewissenc, J., & Torsinc, W. 2018. When does the tone of earnings press releases matter?. International Review of Financial Analysis, 57: 231-245.

Carlsson, S., and Lamti, R. 2015. Tone Management and Earnings Management. Master Thesis, Gothenburg: Gothenburg University.

www.SID.ir

Archive of SID

Davis, A., and Tama-Sweet, I. 2012. Managers' Use of Language across Alternative Disclosure Outlets: Earnings Press Releases versus MD&A. Contemporary Accounting Research, 29(3): 804-837.

Davis, D. M., and Brennan, N. M. 2007. Discretionary disclosure strategies in corporate narratives: Incremental information or impression management?. Journal of Accounting Literature, 26: 116-195.

Davis, A. K., Piger, J. M., and Sedor, L. M. 2008. Beyond the numbers: Managers use of optimistic and pessimistic tone in earnings press releases. Working paper, University of Oregon.

Demers, E., and Vega, C. 2010. Soft Information in Earnings Announcement: News or Noise?. Working Paper, INSEAD, 2010/33/AC.

Feldman, R., Govindaraj, S., Livnat, J., and Segal, B. 2010. Managements Tone Change:ost Earnings Announcement Drift and Accruals. Review of Accounting Studies, 15(4): 915-953.

Fisher, R., Van Staden, C., and Richards, G. 2018. Tone and accounting narrative, available in: http://hdl.handle.net/10125/59356.

Hales, J., Kuang, X., and Venkataraman Sh. (2011). Who believes the hype? An experimental examination of how language affects investor judgments. Journal of Accounting Research, 40(1): 223-255.

Henry, E. (2006). Market Reaction to Verbal Components of Earnings Press Releases: Event Study Using a Predictive Algorithm. Journal of Emerging Technologies in Accounting, 3(1): 1-19.

Hooghiemstra, R. 2000. Corporate communication and impression management: New perspectives why companies engage in social reporting. Journal of Business Ethics, 27: 55-68.

Iatridis, G. E. 2016. Financial Reporting Language in Financial Statements: Does Pessimism Restrict the Potential for Managerial Opportunism?. International Review of Financial Analysis, 45: 1-40.

Lambert, R, Leuz, C., and Verrecchia, R. 2007. Accounting information, disclosure, and the cost of capital. Journal of Accounting Research, 45: 385-420.

Loughran, T., and McDonald, B. 2016. A survey Textual Analysis in Accounting and Finance. Journal of Accounting Research, 54(4): 1187-1230.

www.SID.ir

Archive of SID

Riley, T. J. 2011. An Investigation into Managers Language Use in Earnings Press Releases. Phd Theses, Amherst: University of Massachusetts.

Riley, T. J, Semin, G. R., and Yen, A. C. 2014. Patterns of Language Use in Accounting Narratives and Their Impact on Investment Related Judgments and Decisions. Behavioral Research in Accounting, 1: 59-84.

Salvador de Souza, J. A., Rissatti, J. C., Rover, S., and Alonso Borba, J. 2019. The linguistic complexities of narrative accounting disclosure on financial statements: An analysis based on readability characteristics. Research in International Business and Finance, 48: 59-74.

Tetlock:. C., Saar-Tsechansky, M., and Macskassy, S. 2008. More than words: Quantifying language to measure firms' fundamentals. Journal of finance, 63: 1437-1467.

www.SID.ir